

اثرگذاری اندیشه ملاصدرا در باب نفس انسانی بر تربیت دینی و اخلاقی انسان

طاهره آسیادار^۱

در مکاتبی که ردپایی از آموزه‌های وحیانی و دستورات دینی در آنها به چشم می‌خورد و بنای فلسفی آنها بر پایه اصول دینی است، تربیت انسان به شکلی خاص مورد توجه قرار گرفته است. دیدگاه فلسفی ملاصدرا در زمینه نفس انسانی، نقش مهمی در اندیشه تربیتی او دارد به نحوی که تألیفات و پژوهش‌های متعددی در زمینه استنباط اصول تربیتی از حکمت متعالیه صورت گرفته است. در این مقاله نیز سعی شده است با نگرشی تربیتی به علم‌النفس حکمت متعالیه، برخی از آراء تربیتی او استخراج گردد و جهت دستیابی به این هدف، پاسخگویی به سوالات ذیل، لازم می‌باشد:

پرسش‌های پژوهش:

- اندیشه فلسفی ملاصدرا در باب نفس انسانی چیست؟

- این اندیشه چه تأثیری بر تربیت دینی و اخلاقی انسان دارد؟

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با مطالعه اسناد و کتب موجود در این زمینه و با هدف تبیین اندیشه تربیتی دینی و اخلاقی ملاصدرا با نظر به دیدگاهش در باب نفس انسانی نگاشته شده است. صدرالمتألهین با تکیه بر مبانی نظام فلسفی خود، به‌ویژه حرکت در جوهر به قاعده "النفس جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء" (الشیرازی، ۱۹۹۹، ج ۸، ص ۳۴۷) می‌رسد که می‌توان گفت کلیدی‌ترین مؤلفه نفس‌شناسی صدرایی است.

از دیگر مباحثی که در شکل‌گیری علم‌النفس، دارای رتبه‌ای حائز اهمیت می‌باشد، نحوه ارتباط میان نفس و بدن است. صدرا برای تبیین نحوه ارتباط نفس و بدن، ابتدا انواع شش‌گانه تعلق را برمی‌شمارد و دو مورد از آنها را به نفس انسانی نسبت می‌دهد (همان، صص ۳۳۰-۳۲۵).

تعلق نفس به بدن در آغاز از نوع حدوث است، ولی بعد از این مرحله نیاز نفس به بدن صرفاً در به‌دست آوردن پاره‌ای از کمالات انسانی است که جز از راه تدبیر بدن به‌دست نمی‌آید (وجه استکمالی) تعلق و نیاز استکمالی نفس به بدن شبیه نیازی است که شخص صنعتگر به ابزار و آلات کار خود دارد؛ با این تفاوت که

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی؛ asiadart@yahoo.com

رابطه صنعتگر با ابزار خود رابطه‌ای عرضی است، اما وابستگی نفس به بدن تعلق ذاتی و طبیعی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۲۰۵، ۳۱۰ و ۳۱۱).

هر نفسی وجود واحدی دارد که در سیر تکاملی خود از مراتب ضعیف‌تر و نازل‌تر به مراحل شدیدتر و عالی‌تر حرکت می‌کند و این حرکت در جوهر نفس و طی مراتب مختلف، منشأ انتزاع قوای نفس می‌شود. هر یک از مراتب مذکور منشأ انتزاع قوه خاصی می‌گردد. با توجه به این امر می‌توان گفت که نفس، امر واحد سیال و ذومراتبی است که در مرتبه حواس عین حواس، در مرتبه خیال عین خیال و در مرتبه عقل عین عقل است. این نگرش جز با تشکیک وجود و حرکت اشتدادی جوهری قابل تبیین نیست. روشن است که اگر ما نفس را وجودی ثابت بدانیم، به هیچ‌روی امکان ارائه چنین تصویری نداریم و بنابراین از مقدمات ضروری طرح قاعده "النفس فی وحدت‌ها کل القوی"، قول به حرکت جوهری نفس است (الشیرازی، ۱۹۹۹، ج ۸، ص ۲۳۴).

در دیدگاه صدرا، حرکت جوهری انسان مشروط به خروج از قید و بندهای عالم جسمانی است و به هر میزان که این خروج استعلایی رخ دهد، به همان میزان، حرکت اشتدادی او نیز پدید می‌آید و به هر میزان که مرتبه‌ی انسان در مراتب وجود صعود کند، حضور جمعی او در مراتب هستی تشدید می‌شود و امکان شهود آیات الهی، اعم از آیات آفاقی و انفسی، برای او توسعه می‌یابد. تا در آخرین نقطه‌ی کمال خود، انسان تبدیل به یک جهان علمی موازی جهان عینی می‌شود (علم الهدی، ۱۳۸۹، ص ۶۵).

تهذیب ظاهر با عمل به اوامر الهی و دوری از نواهی الهی، تزکیه باطن از صفات ناپسند و تزیین و تنویر قلب و جان به ملکات پسندیده، فنای نفس از ذات خویش و بکاربردن چشم دل منحصر برای مشاهده حضرت حق و جلوه‌های او، مراتبی است که توفیق تربیت دینی را برای انسان می‌سازد و او را در شاهراه تربیت اخلاقی و هدایت قرار می‌دهد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، صص ۳۰۸-۳۰۹).

در این مقام نکته‌ای که نباید از نظر دور شود، پیوستگی و ارتباط قوی میان دو بعد جسمانی و روحانی انسان است که گاهی مسیر تربیت دینی را مشکل می‌سازد.

اگر این وابستگی نفس را در اعمالش به بدن مادی، یکی از مبانی مهم تربیتی قرار دهیم، به این نکته می‌رسیم که نفس، از طریق همین به هم تنیدگی با بدن مادی، فرصت و امکان زندگی بر روی زمین را به دست آورده است تا در جهت تحقق هویتی برای خود و رسیدن به هدف تکاملی خویش، حرکت نماید. در این نوع نگرش به رابطه‌ی نفس و بدن غرایز موجود در آدمی نه تنها سرکوب نمی‌شوند، بلکه بدن و غرایز نفسانی مجال

است که نفس به وسیله ی ابزار و قوای بدنی به سرعت در جهت کمال حرکت نماید و یا قوای نفس حیوانی او را در پرتگاه سقوط و زبونی افکند (باقری، ۱۳۸۹، صص ۱۵۰-۱۵۱)

ملاصدرا در این زمینه بر این باور است که مادام که امر معاش در دنیا (حالت تعلق نفس به محسوس) کامل نگردد، انقطاع از دنیا و وصول به سوی باری تعالی که به معنای سلوک نفس است، محقق نمی شود؛ امر دنیا تمام نمی شود مگر اینکه بدن آدمی سالم، نسل او دائم و نوع او باقی بماند و این امور نیز زمانی به تحقق می رسد که اسبابی برای حفظ آنها فراهم گردد و مفاصد و مهلکات آنها را دفع نماید (خسرو نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱).

یافته های پژوهش:

از این مباحث می توان اینگونه نتیجه گرفت که: در باور صدرا حقیقت نفس انسانی، جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا بودن آن است و نفس، بعد از حدوث مادی خود در نتیجه حرکت و تحول جوهری به مرحله ای از تجرد و خروج از ماده می رسد که نهایت کمال و سعادت او را تشکیل می دهد. در این راستا و در دستیابی به تربیت صحیح نفس، آموزه های دینی نقش بسزایی دارد و همچنین نحوه ارتباط میان نفس و بدن نیز از نکات حائز اهمیت در این مجال است.

واژگان کلیدی: ملاصدرا، نفس انسانی، تربیت اخلاقی، تربیت دینی.

فهرست منابع:

- الشیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم. (۱۹۹۹). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱. تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۹). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- خسرو نژاد، مرتضی؛ قمی، محسن و شریفانی، محمد. (۱۳۸۷). نظریه حرکت جوهری: پیامدهای فلسفی و تربیتی. *فصلنامه اندیشه دینی*، ۲۹، ۹۱-۱۱۶.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۲). *مبدأ و معاد* (ترجمه حسینی اردکانی، به کوشش عبدا... نورانی). تهران: نشر دانشگاهی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). *الشواهد الربوبیة* (ترجمه جواد مصلح)، تهران: سروش.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۰). *معرفة النفس والحشر* (ترجمه اصغر طاهرزاده). اصفهان: دفتر نشر جنگل.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۸). *اسفار* (ترجمه محمد خواجوی). تهران: مولی.
- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۹). *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۰). *شرح جلد هشتم الاسفار الاربعة*، ج ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.